

بررسی مدیریت در عصر پست مدرن

علی معقول^۱، منصوره بختیاری فایندری^۲، جواد دیهیم^۳

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران، نویسنده مسئول

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

یکی از موضوعات جدیدی که امروزه پژوهش‌های بسیاری به آن می‌پردازند، پست مدرنیسم است. پست مدرنیسم در رد مدرنیسم آمده است. از خصوصیات پست مدرنیسم توجه به غیرعقلانیت، ضمیر ناخودآگاه، نفی کلیت‌گرایی، تاکید بر زبان، توجه به دیگری، نسبی‌گرایی در ارزش‌ها و اخلاقیات، تردید و شک نسبت به عقل و حقیقت؛ و تردید نسبت به سرنوشت انسان است. در این مقاله به بررسی تاریخچه پست مدرنیسم، تعاریف، ویژگی‌ها و اصول آن پرداخته شده است. تعامل فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، چند صدایی بودن جهان و چند جهانی بودن انسان در عصر پست مدرن، تغییر و کثرت‌گرایی از ویژگی‌های آن است. پست مدرنیسم همچنین به نوآوری، سازماندهی فعال، ترغیب، هم‌آفرینی و خودکنترلی باور دارد. در این عصر به خرده فرهنگ‌ها، نژاد، جنسیت و حقیقت و خرد آنها تاکید می‌ورزد و معتقد است که هیچ برتری در میان آنها نیست.

واژه‌های کلیدی: پست مدرنیسم، مدیریت، فرهنگ، تغییر، آموزش و پرورش

۱- مقدمه

پسامدرنیسم که در چند دهه اخیر مطرح شده، طیف وسیعی از دیدگاه‌های گوناگون است که نقطه اشتراک آنان نفی "مدرنیته" تلقی می‌گردد. مدرن از ریشه "Mode" به معنای امروزی یا آنچه رایج است در تمایز از دوره ی قبل معنا می‌دهد (دهباشی، جعفری و محمودی، ۱۳۸۶، ۲). پست مدرنیسم دوره ای در دنیای غرب است که بعد از دوره روشنگری (مدرنیسم) پدیدار گشت و ریشه های آن را باید به علاقه بشر به امور غیر عقلانیتی و یا امور درونی و عاطفی، ضمیر ناخودآگاه و شکستن مرزهای اجتماعی دانست. از نظر بعضی ها، پست مدرنیسم در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم به اوج خود رسید و از دهه ۸۰ به بعد آثار شکست در آن پایدار گشت (سجادی، ۱۳۸۳، ۴۹). یکی از معروفترین و مهمترین تعریف‌ها از آن فردریک جیمسون آمریکایی است که می‌گوید: "پست مدرنیسم منطبق فرهنگی دوره پسین سرمایه داری است" (رها دوست، ۱۳۸۲، ۳۵۳).

پست مدرن معتقد است عقل گرایی مدرن هیچ سعادت‌تی را برای انسان به ارمغان نیاورده است، تصمیم دارد با بازگشت دوباره به سنت، اما نه سر سپردگی تمام عیار به آن و همچنین با توجه به عصر روشنفکری به دنبال راه چاره باشد (دشتی شفیعی، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۷). در دیدگاه پست مدرن، سازمان‌ها مجموعه ای از تنوع، خود راهبری و تیم‌های خود کنترل‌اند که رفتار سازمانی خود را به اقتضای شرایط هماهنگ می‌کنند. بنابراین در مدیریت پست مدرن، همفکری، تصمیم‌گیری مشارکتی و چند صدایی دیده می‌شود (سلیمانی، شعبانی، رجایی پور، ۱۳۹۲، ۲). پست مدرنیسم می‌کوشد تا دوگانگی بین حقوق خصوصی و عمومی یا فردی و جمعی را از میان بردارد. بنابراین از ویژگی‌های اصلی حقوق انسانی در شرایط پست مدرن نگرستن بدان چون یک کل است و در همین معنی است که این رویکرد در گسترش مفهوم حقوق انسانی می‌کوشد؛ به علاوه به جای تاکید انحصاری بر حقوق شهروندی بر اهمیت حق حیات تاکید می‌کند (آهنچیان، ۱۳۸۳، ۱۸۱). در تفکر پست مدرن تمام حقایق و واقعیت‌گرایی کانت مورد تردید قرار می‌گیرد. نیچه تمام عقلانیت مدرنیسم را نفی می‌کند، در مدرنیسم هیچ معنایی پنهان نیست و باید به فراسوی آن یعنی پست مدرنیسم رفت (دشتی شفیعی، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۸).

بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی پست مدرنیسم پرداخته‌اند. در پژوهش سلیمانی، شعبانی و رجایی پور (۱۳۹۲) نتایج نشان داد که با ظهور دوره ی پست مدرن و بنا به اهمیت مدیریت به عنوان رکن اساسی توسعه و پیشرفت، مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی باید با مولفه‌های مدیریت پست مدرن آشنا شده و جهت اداره مناسب کتابخانه‌ها، این مولفه‌ها را به کار گیرند.

در تحقیق جعفری (۱۳۸۸) نتایج نشان داد که نفی عقلانیت، رسمیت و قانون‌محوری در امور سازمانی، استفاده از استعاره‌های متنوع و نرم برای سازمان، تنوع ساختارهای سازمانی و توجه به گروه‌های خاص از جمله ویژگی‌های نظریات پست‌مدرن مدیریت است. در تحقیق طاهرپور، رجایی پور و جمشیدیان (۱۳۸۸) نتایج نشان داد که از جمله پارادایم‌های جدید که در پاسخ به کاستی‌های پارادایم‌های سنتی و نوگرایی مدیریت در پاسخگویی به نیازهای فزاینده و در حال تغییر سازمان و جامعه مطرح شده است، پارادایم مدیریت فرا نوگرا (پست مدرن) است. فرانوگرایی، بیانگر یک نظریه سیستماتیک و جامع نیست و به دریافتها، تشخیص‌ها و شناخت‌های متفاوت و به کثرت‌گرایی باور دارد. فرا نوگرایی، محیط سازمان را متلاطم و متغیر می‌داند و در نتیجه با طرح هر گونه نظریه جامع در مورد مدیریت مخالف است و در برابر: برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل، به ترتیب: به نوآوری، سازماندهی فعال، ترغیب، هم‌آفرینی و خود-کنترلی، باور دارد.

در پژوهش پارکر^۱ (۱۹۹۲) پست مدرنیسم شروعی است برای وارد شدن به مطالعات سازمان. بعد از معرفی مباحث، عوامل مشارکت کننده ی مهم، مورد تجدیدنظر و بررسی دقیق قرار گرفتند. یک تمایز بین پست مدرن و دوره معرفت شناسی پست مدرن از نظر پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در پژوهش کوپر و هاپر^۲ (۲۰۰۶) به نظریه پردازی انتقادی در مدیریت حسابداری پرداخته می شود. یک تاریخچه طولانی و برجسته ی نظریه پردازی انتقادی در مدیریت حسابداری وجود دارد، اما به طور کلی در ارتباط با فهم مدیریت مدرن، سازمان ها و جهان، مقداری شک وجود دارد. در این مقاله نشان داده می شود که چگونه سه روش گسترده به نظریه انتقادی (روند کار، نظریه انتقادی و پسا ساختارگرایی) در فهم دو تحول عمده در حسابداری مدیریت مدرن به ما کمک می کند. فصل نتیجه گیری، به شناسایی برخی از چالش های مداوم و برجسته دستاوردهای نظریه پردازی انتقادی در حسابداری مدیریت پرداخته می شود.

در پژوهش کاهرامن^۳ (۲۰۱۵) نشان داد ساخت مدرنیسم و پست مدرنیسم، باعث درک متفاوتی از زندگی اجتماعی و در نتیجه ایجاد زندگی های مختلف و سبک های تفکر می شود. مدرنیسم به عنوان یک نتیجه بعد از قرن ۱۸ جایگاه روشنگری خود را در هر منطقه از جامعه پیدا کرده است. هر دو نوع از سبک های تفکر در هر نقطه از زندگی موثر بوده است. عناصر اصلی فرهنگ مدرن و آموزش و پرورش پست مدرن ترکیب شده و در حال حاضر با برنامه های آموزشی یکپارچه شده است. در این مقاله رابطه مدرنیسم و پست مدرنیسم و همچنین بازتاب آن در آموزش و پرورش از سال گذشته تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به روش مدل نظرسنجی و بررسی مستند استفاده شده است.

۲- پست مدرنیسم

گروهی ریشه ی مدرنیسم را در عصر "روشنگری" جست و جو می کنند. بعضی از پژوهشگران سرچشمه ی مدرنیسم را در "رنسانس" و برخی دیگر دوران رو به رشد در سده ی بیستم به ویژه پس از جنگ جهانی دوم می دانند که تغییرات سریع اجتماعی روی داده است. از ویژگی های مدرنیته اعتقاد به انسان به عنوان موجودی است که فردیت و استقلال وجودی دارد، همچنین خردباوری، اعتقاد به پیشرفت، انسان شناسی پوزیتویستی و اعتماد نامحدود به علم، توسعه ی اقتصادی، فنی و صنعت گرایی از خصایص دیگر آن است. نقطه شروع پسامدرنیسم و بنیان گذاران آن مورد اختلاف صاحب نظران است. گروهی سال ۱۹۱۷ و برخی دهه ۱۹۶۰ با بروز بحران سال ۱۹۶۸ فرانسه و ظهور نظریات روشنفکران آن زمان و عده ای از نویسندگان پایان سده نوزدهم و گروه زیادی سال ۱۹۷۹ که تاریخ انتشار کتاب "وضعیت پسامدرن" لیوتار است را سرآغاز پسامدرنیسم می دانند. لیوتار پسامدرنیسم را اعتقاد نداشتن به "فرا روایت" می داند. از خصوصیات دیگر پسامدرنیسم نفی کلیت گرایی، تاکید بر زبان، توجه به دیگری و ... است (دهباشی، جعفری و محمودی، ۱۳۸۶، ۳).

اگر چه پست مدرنیسم در ۱۹۷۱ عمدتاً در فرانسه و در ارتباط با هنر آغاز گردید، ولی به سرعت به خارج از اروپا و به ویژه به آمریکا و نیز علاوه بر هنر به سایر رشته ها و علوم گسترش یافت؛ به گونه ای که اکنون پست مدرنیسم در آمریکا کاربرد عملی و حرفه ای یافته و در نظام آموزشی، مدیریت، برنامه ریزی، سازماندهی صنایع و محیط زیست، سیاست گذاری هنری - فرهنگی و در جنبش های زنان از جمله بحثهای رایج شده است. با این که پست مدرنیست ها به ویژه فرانسویان واژه پست مدرنیسم را قابل ترجمه نمی دانند، این واژه در فارسی

^۱ - Parker

^۲ - Cooper & Hopper

^۳ - Kahraman

به صورتهای مختلفی مانند پسانوگرایی، پسامدرنیسم، فرامدرنیسم، فرانوگرایی، پسا تجدد گرایی، پسا مدرنیته، فرا مدرنیته و پست مدرنیته ترجمه شده است (نجاریان، پاک سرشت، صفائی مقدم، ۱۳۸۱، ۹۱).

پست مدرنیسم تحولی است سریع و بنیادین در عرصه های معرفت شناختی، اجتماعی و سیاسی. داعیه داران اصلی این عرصه افرادی چون فوکو^۱، دریدا^۲، ژیرو^۳، جیمسون^۴ و روتی^۵ هستند که هر کدام از منظر خاصی به این روند تحولی نگریستند. پست مدرنیسم به معنای نسبی گرایی در ارزش ها و اخلاقیات، تردید و شک نسبت به عقل و حقیقت و تردید نسبت به سرنوشت انسان است (سجادی، ۱۳۸۳، ۴۹).

رولند رابرتسون، پسامدرن را به معنای "وضع جدید مرتبط به امور دنیای ما" خطاب کرده است. پسامدرن، چشم انداز جدیدی را گشوده تا به وجهی متفاوت درباره شرایط فکری بیندیشیم و چه بسا راه حل های جدیدی را برای مسائل مبتلا ارائه دهیم. با وجود آنکه از پسامدرن هم به معنای زمانی و دوره تاریخی خاص پس از مدرنیته نام برده شده و هم آن را به مثابه گفتمان خاصی در نظر گرفته اند و به طور کلی امکانی جدید از شیوه نگرش به محیط تعبیر شده است (قزلسفلی، ۱۳۸۶، ۱۳۹).

پست مدرنیسم از آنجا اعتبار پیدا می کند که دیگر در قالب مدرنیسم تلاش نمی کند خود را ثابت کند، اما دیگر به نتیجه نمی رسد آنها تنها مقلدانی هستند که خود نیز مورد تقلید حرکت دیگران قرار می گیرند. بر خلاف دیگر سبک ها، پست مدرنیسم جنبش هنری دیگری نیست و بلکه در ادامه مدرنیسم برای بیان بحران های حاصل از آن تلاش می کند. اما نمی تواند راه حل مناسبی برای آن مطرح کند و تنها به اعتراض بر علیه مدرنیسم می پردازد و در این امر با زبان نقد و تمسخر و گاهی طنز و تقلید هزل آمیز از سبک های مختلف اعتراض خود را بیان می کند. پست مدرنیسم با پرداختن به ظاهر و حضور و سطوح و رجعت به دوران کلاسیک با دیدگاه مدرن سعی می کند با آنچه بحران مدرنیسم پدید آورده بود مقابله کند (دشتی شفیع، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۷).

حدود پسامدرنیسم جهان دگرگون شده ای که هنر پسامدرن و فلسفه پسا ساختارگرایی منعکس می سازند. اما جهانی که آنها قصد مشارکت در آن را دارند سیاست خاص خود را می طلبد. من همه این ادعاها را تکذیب می کنم (کالینیکوس، ترجمه: فرهادی، ۱۳۸۲، ۲۰).

در بازاریابی مدرن هدف رضایتمندی مشتری بود ولی در پست مدرن باید گرایش به سمت توانمندسازی مشتری باشد یعنی بازاریابی ابزاری برای جامعه مصرف کنندگان است تا آنها را در ایجاد شیوه های مناسب سازماندهی برای تجربه مطلوب زندگی توانا سازد (فرهنگی، حسنقلی پور، خانلری، ۱۳۸۷، ۹۰).

آموزش و پرورش مورد نظر پست مدرنیسم، سنت های حاکم بر آموزش و پرورش مدرنیسم را زیر سوال می برد و به نوعی در رفع بحران های موجود در مدرنیسم سعی می کند. فضایی که امروزه بر جهان حاکم است و سرشار از تکثر و تفاوت های فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی و ... است، در حیطه عنصر ارزشمندی چون آموزش و پرورش چالش های فراوانی را به وجود آورده است. کلایو بک (۱۹۹۳) معتقد است پست مدرنیسم دلالت های زیادی برای همه وجوه آموزش و پرورش دارد. اندیشه های تربیتی پست مدرنیسم با محدودیت ها و نقاط ضعفی که بر آن وارد است، زمینه های مثبتی در تعلیم و تربیت فراهم می آورد (سجادی، ۱۳۸۳، ۱۳).

^۱ -Foucault

^۲ -Derrida

^۳ - Giroux

^۴ - Jamson

^۵ - Rorty

۳- ویژگیهای پست مدرن:

۱- انسان پست مدرن، انسانی است دستخوش تغییر دایمی با احساس بی ثباتی و بی اطمینانی نسبت به آینده که خود را در برابر جهانی متکثر می بیند و در عین حال که این دنیای دیوانه را می پذیرد، آن را نفی می کند.

۲- رویکرد جدی و نوستالژیک انسان عصر مدرن جای خود را به رویکرد طنزآمیز و هجو آمیز داده است.

۳- چند صدایی بودن جهان و چند جهانی بودن انسان در عصر پست مدرن، پذیرش کامل یک دیدگاه و نفی کامل دیدگاه های دیگر را بی معنا جلوه می دهد. در عین حال همین چند صدایی و چند جهانی بودن، همراه با هراس انسان نسبت به عصر آشوب، موجب روی آوردن بسیاری از جوامع به ایدئولوژی ها می شود.

۴- انسان عصر پست مدرن در جهانی می زید که تعامل فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها از ویژگی آن است. از این رو نسبت به تعامل فرهنگی حساسیت نشان می دهد که طرح گفتگوی تمدن ها از نشانه های این حساسیت است.

۵- در کنار حساسیت نسبت به فرهنگ حساسیتی مشابه نسبت به طبیعت نیز وجود دارد و بر خلاف انسان علم گرا که خود را مالک و تسخیر کننده طبیعت می دانست، انسان این عصر گرایش به دوستی و هماهنگی با طبیعت دارد که جنبش های سبز از نشانه های این رابطه نو با طبیعت است.

۶- تحول سرمایه داری از محدوده های مشخص در نقشه جهان به مجموعه های وسیع و گسترده با ندای جهانی شدن، موجب گسترش فرهنگ مصرف گرایی، شی واره شدن انسان، حاکمیت اقتصاد سیاسی بر دیگر انواع اقتصاد و تجاری کردن بسیاری از مظاهر فرهنگی مثل اطلاعات شده است.

۷- پست مدرنیسم با تکیه بر نوعی واقع گرایی چند بعدی، این نگاه و نظر را که واقعیت محدود به قابلیت های حواس پنجگانه است نفی می کند و مشروطیت دانش شهودی را ارج می نهد.

۸- پست مدرنیسم قائل به این نیست که یک سلسله قوانین جهانی و غیر قابل تغییر، خارج از محدوده آگاهی بشری جهان را هدایت می کند و اصل علیت مادی را نقد کرده این علیت را در حوزه وجدان و آگاهی بشر مورد بررسی قرار می دهد.

۹- فردگرایی در عصر پست مدرنیسم نوعی فردگرایی درون گرایانه است که به جای اصالت دادن به نظام های عقیدتی، نهادها و تخصص های حرفه ای، به فرد به منزله عاملی که از طریق آگاهی از خویش می خواهد به اطمینان دست یابد باور دارد.

۱۰- علاوه بر نفی نگاه تقلیل گرا، قائل به نگاه کل نگر به پدیده هاست که با پدیده چند پارگی انسان و تخصص گرایی در شاخه های علوم در تضاد است (رها دوست، ۱۳۸۲، ۳۵۵).

پست مدرن معتقد است عقل گرایی مدرن هیچ سعادت را برای انسان به ارمغان نیاورده است. تصمیم دارد با بازگشت دوباره به سنت اما نه سرسپردگی تمام عیار به آن و همچنین با توجه به عصر روشنفکری به دنبال راه چاره باشد. در این راه دید نوستالژیک به گذشته دارد اما به اسطوره زدایی و تخریب ارزش بالایی را در گذشته نهفته نمی بیند. پست مدرنیسم یک بازگشت است، بازگشت به چیزهایی که دوست داشتن آن آسان تر است. به عقیده فروید وجه سرکوب شده بود اکنون خوب تلقی می شوند چون جذاب و لذت بخش اند. شعار کمتر ملال آور است در برابر کمتر بیشتر است توسط مدرنیسم مطرح شد (دشتی شفیعی، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۷). به اعتقاد بسیاری از

صاحب‌نظران، پست مدرنیسم دوره ای است که دوری از فردگرایی و تمایل به تعلقات اجتماعی بیشتر است که این امر موجب معرفی مفاهیمی چون قبيله های جديد است (فرهنگی، حسنقلی پور، خانلری، ۱۳۸۷، ۹۲).

از ویژگی های دیگر پست مدرنیسم خودآگاهی و فردگرایی است، برعکس مدرنیسم که خود را دنیایی ناخودآگاه می دید و به دنبال روشی برای به تصویر کشیدن آن بود، پست مدرنیسم در دنیای خودآگاه به دنبال سعادت بود (دشتی شفیعی، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۹).

پست مدرنیسم را می توان نوعی تئوری اجتماعی دانست که دارای چهار دلالت مهم جامعه شناختی است:

۱- مرکز زدایی و خرد کردن قدرت

۲- غیر قابل جمع دانستن منافع مادی و نمودهای ذهنی در چارچوب فعالیت‌های گروهی

۳- بروز ناتجانسی در برابر تجانس

۴- افزایش بی اعتمادی نسبت به دموکراسی (آهنچیان، ۱۳۸۳، ۱۷۶).

استراتژی پست مدرن آگاهانه از افزایش انعطاف پذیری ساختارهای اجتماعی و متمایل ساختن آنها به اشکال جدید و پیچیده و درونی کردن کنترل از جمله کنترل فرهنگی و ایدئولوژیک حمایت می کند (پارکر، ۱۹۹۲، ۳).

۴- مولفه های مدیریت پست مدرن

ترغیب: در پست مدرن در تقابل با فرماندهی مطرح می شود، به این اشاره دارد که مدیر سعی می کند از راه نفوذ و تاثیرگذاری غیر مستقیم در کارکنان به هدایت آنان پرداخته و از راه ترغیب، افراد را توانمند سازد.

خود کنترلی: خود کنترلی ایجاد حالتی در درون فرد است که او را به انجام وظایفش متمایل می سازد، بدون آن که عامل خارجی او را تحت کنترل داشته باشد.

رهبری خدمتگزار: رهبر فرانوگرا، رهبر خدمتگزار است که منافع دیگران را بر تمایل و علاقه ی خویش ارجح می داند و به دنبال توسعه ی فردی اعضای سازمان است.

سازماندهی فعال: الگویی که بر مبنای اطلاعات حاصل از شناسایی شرایط محیط، هدف ها و وظایف سازمان انتخاب می شود و به عبارتی سازماندهی پهن، غیر متمرکز با لایه ها و طبقات کم، منعطف و مسطح برای تیم های خود مختار مورد تاکید است.

نوآوری: در شرایط متحول امروزی واکنش های تکراری دیگر کارآمد نیست، بنابراین سازمان ها برای ماندگاری خود باید به طور مستمر ایده های نو ارائه دهند، بر این قرار مفهوم نوآوری و خلاقیت مطرح است.

هم آفرینی: هنگامی که هماهنگی داوطلبانه و غیر رسمی توسط افراد و واحدهای سازمانی ایجاد شود، هم آفرینی صورت می پذیرد. در هم آفرینی از ساز و کارهای غیر رسمی و هماهنگی گروه های کاری توسط خود آن گروه ها استفاده می شود.

در دیدگاه پست مدرن، سازمان‌ها مجموعه‌ای از تنوع، خود راهبری و تیم‌های خود کنترل‌اند که رفتار سازمانی خود را به اقتضای شرایط هماهنگ می‌کنند (سلیمانی، شعبانی، رجایی پور، ۱۳۹۲، ۲).

۵- اصول مدیریت پست مدرن

اصل اول این است که تمام اصول و پنداشت‌های مدرنیسم بی اعتبار است. پست مدرنیسم تمام فرا روایت‌های مدرنیسم درباره "خرد"، "حقیقت"، "سنت"، "اخلاقیات" و "تاریخ" را کنار می‌گذارد. حقیقت را انکار می‌کند و هر چیز را نسبی می‌داند، علوم با شکر می‌اندیشد و هیچ چیز را برتر از دیگری نمی‌داند.

اصل دوم انکار واقعیت است. آنچه تاکنون به عنوان واقعیت در پس هر چیز دیده می‌شد را انکار می‌کند و معتقد است در پشت هر چیز، همان چیزی است که بیننده می‌خواهد ببیند. پس توسط افراد متفاوت خواهیم داشت.

اصل سوم در برابر انکار واقعیت می‌آید و آن وانمودگی است، متفکران این جنبش معتقدند که آنچه ادراک می‌شود وانمودهایی است که بر اساس الگوها، مانند سازی‌ها و تصورات و ایماژها که در ذهن وجود دارد شکل می‌گیرد. واقعیت وجود ندارد و چیزی که ذهن درک می‌کند تنها وانمودی از واقعیت است.

اصل چهارم بر بی معنایی استوار است. در جهانی که هیچ علم و دانشی مورد قبول نیست و هیچ واقعیتی معتبر نیست و هر چه هست تنها وانمود است پس بی معنایی طبیعی خواهد بود. پست مدرنیسم دنیای پوچی را در نظر می‌گیرد که هیچ معنایی در آن نیست و به هیچ چیز و هیچکس اعتماد ندارد و به همه چیز شک دارد.

اصل پنجم شک اندیشی است. این اصل دلالت بر چهار اصل دیگر دارد و نشان می‌دهد که هیچ چیز مطلق را نباید پذیرفت. تجربه، اندیشه و عقاید هیچ یک نمی‌تواند نظر مطلق و بی چون و چرا دهند.

اصل ششم بیانگر گوناگونی و کثرت‌گرایی پست مدرنیسم است. در این عصر به خرده فرهنگ‌ها، نژاد، جنسیت و حقیقت و خرد آنها تأکید می‌ورزد و معتقد است که هیچ برتری در میان آنها نیست. پست مدرنیسم در برخورد با زمان و تعدد می‌شود. این نگرش بر خرده فرهنگ‌ها، مانع از تشکیل یک فرهنگ جهان شمول بوده و به نوعی باعث تفاهم فرهنگ‌ها خواهد شد. دلیل اصلی کثرت‌گرایی را می‌توان پیشرفت روزافزون تکنولوژی و ارتباطات و ایجاد فضاهای مجازی و ورود تلویزیون به میان مردم دانست این امر باعث شده که مردم با هر فرهنگی در هر گوشه از دنیا با فرهنگ‌های متفاوت در نقاط دیگر آشنا شدند. این خود می‌تواند دلیل بسیار محکمی برای خلط فرهنگ‌ها و کثرت‌گرایی پست مدرنیسم باشد (دشتی شفیعی، صادقی، سلیمانی، ۱۳۹۲، ۸).

۶- نتیجه گیری

پست مدرنیسم ابتدا در هنر مطرح شد و سپس به حیطه علوم دیگر از جمله مدیریت نیز راه یافت. تغییر و کثرت‌گرایی، گفتگوی تمدن از جمله ویژگی‌های پست مدرنیسم است. فرا نوگرایی، محیط سازمان را متلاطم و متغیر می‌داند و در نتیجه با طرح هر گونه نظریه جامع در مورد مدیریت مخالف است و در برابر: برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل، به ترتیب: به نوآوری، سازماندهی فعال، ترغیب، هم آفرینی و خود کنترلی باور دارد. مدیران پست مدرنیسم باید به عنوان رهبران خدمتگزار و رهبران تحولی سعی در ایجاد

نوآوری در سازمان نموده و خودباوری را در افراد سازمان بارور کنند تا از پس بحران های پیش رو بآیند. آنها باید بر این باور باشند که تغییرات مداوم اند و تلاش برای رویارویی با این تغییرات و رسیدن به اثربخشی سازمانی جزو اهداف مهم سازمان می باشد.

پیشنهادات

پیشنهاد می گردد محققان در تحقیقات خود به بررسی ویژگی های مدیریت در عصر مدرن و فرا پست مدرن نیز بپردازند و این دوره ها را با یکدیگر مقایسه کرده و تحلیل نمایند.

منابع

- ۱- آهنگچیان، محمد رضا. (۱۳۸۳). انسان در شرایط مدرن از منظر پست مدرنیسم. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۹۱-۱۷۳.
- ۲- جعفری، محمدحسن. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر دیدگاه پست مدرن بر نظریه سازمان و مدیریت. ماهنامه معرفت. سال هجدهم. شماره ۲ (پیاپی ۱۳۷). ۷۳-۵۹.
- ۳- دشتی شفیعی، علی. صادقی، زینب. سلیمانی، مهدیس. (۱۳۹۲). فلسفه پست مدرن.
- ۴- دهباشی، مهدی. جعفری، ابراهیم. محمودی، محمد تقی. (۱۳۸۶). تعلیم و تربیت پسامدرن از دیدگاه جیرو. دانش و پژوهش در علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان). شماره ۱۶. ۱۸-۱.
- ۵- رها دوست، فاطمه. (۱۳۸۲). پست مدرنیسم و کتابداری و اطلاع رسانی.
- ۶- سجادی، مهدی. (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت های تربیتی آن. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور شاهد. دانشگاه شاهد. سال ۱۱. دوره ۶.
- ۷- سلیمانی، ناهید. شعبانی، احمد. رجایی پور، سعید. (۱۳۹۲). میزان کاربرد مولفه های مدیریت پست مدرن در کتابخانه های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مدیریت اطلاعات سلامت. دوره دهم. شماره اول. ۹-۱.
- ۸- طاهرپور، فاطمه. رجایی پور، سعید. جمشیدیان، عبدالرسول. (۱۳۸۸). فرانوگرایی در مدیریت. ماهنامه علمی آموزشی تدبیر. پایگاه مقالات علمی مدیریت. سال نوزدهم. شماره ۲۰۰. ۱۸-۱۴.
- ۹- فرهنگی، علی اکبر. حسنقلی پور، طهمورث. خانلری، امیر. (۱۳۸۷). پست مدرنیسم و بازاریابی مصرف کننده در هزاره جدید. نشریه مدیریت بازرگانی. دوره ۱. شماره ۱. ۱۰۴-۸۷.
- ۱۰- قزلسفلی، محمد تقی. (۱۳۸۶). ویژگی های معرفت شناختی اندیشه در پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال سوم. شماره ۱. ۱۵۷-۱۱۹.
- ۱۱- کالینوس، کارلوس. (۱۳۸۲). نقد پست مدرنیسم. ترجمه: فرهادی، اعظم. ۲۸۶-۱.
- ۱۲- نجاریان، پروانه. پاک سرشت، محمد جعفر. صفائی مقدم، مسعود. (۱۳۸۱). مضامین پست مدرنیسم و دلالت های تربیتی آن. مجله علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز. سال نهم. دوره سوم. شماره های ۱ و ۲. ۱۰۶-۸۹.
- ۱۳-Cooper, D. Hopper, T. (۲۰۰۶). Critical Theorising in Management Accounting Research. Handbooks of Management Accounting. Volume ۱. Pages ۲۰۷-۲۴۵.
- ۱۴- Kahraman, A. D. (۲۰۱۵). Relationship of Modernism, Postmodernism and Reflections of it on Education. Social and Behavioral Sciences. Volume ۱۷۴. Pages ۳۹۹۱-۳۹۹۶.
- ۱۵- Parker, M. (۱۹۹۲). Post- Modern organizations or postmodern organization theory? Organization Studies. ۱- ۱۷.